

راه‌های نرفته پیش رو



دبیر دوم کمیسیون آموزش و تحقیقات

توسعه‌یافتگی یک مفهوم نسبی است که با شرط وامکان‌ها هر کشور و جامعه‌ای تعریف خاص خودش را پیدا می‌کند. اگر قرار باشد کشورمان را با اهداف و آرمان‌هایی که داشتیم مقایسه کنیم و به این نتیجه برسیم که جامعه توسعه‌یافته‌ای هستیم یا نه، باید بگوییم، ما راه‌های نرفته زیادی داریم و باید در این زمینه تلاش‌های زیادی انجام دهیم تا به مقصد اصلی خود برسیم. اما اساسی‌ترین موضوعی که باید به آن پرداخته شود مباحثی است که به فرهنگ مردم جامعه ما برمی‌گردد. ما در این مورد با مشکل اساسی روبه‌رو هستیم و معتقدم حتی بالای ۷۰ درصد از مشکلات اقتصادی مردم هم به ضعف فرهنگی آنها برمی‌گردد. در فرهنگ ما همه چیز با واقعیت تفاوت دارد. ما مصرف‌پهینه و فرهنگ پس‌انداز را نمی‌دانیم. فرهنگ صرف، فرهنگ کسب‌وکاری و توجه و احترام متقابل که می‌تواند جزو مهم‌ترین مسائل جامعه ما باشد دچار مشکل است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که ما با آن روبه‌رو هستیم و در تمام سطوح از مدیر مدرسه گرفته تا نماینده مجلس و دیگر سطوح شهرستانی و استانی و کشوری وجود دارد این است که کار گذشتگان نادیده گرفته می‌شود. بعد از گذشت ۳۵ سال از انقلاب، حتما شما هم در سطح شهر با نبره‌های مواجه بودید که روی آن نوشته شده اولین همایش در مورد یک موضوع خاص قرار است بزودی برگزار شود. این «اولین‌ها» که روی آن تا کندی زیادی می‌شود در واقع نادیده گرفتن کار کسانی است که پیش‌تر روی یک موضوع خاص کار کردند اما امروزه تمام زحمات آنها نادیده گرفته می‌شود. در صورتی که در گذشته همه چیز بد نبوده است. این که همه چیز در گذشته تیره و تار نشان داده شود می‌تواند تأثیرات مخربی روی پیشرفت جامعه ما داشته باشد. هر کس تنها کار خودش را قبول دارد و در آن‌ظرف فعالیت دیگران بپهوده بوده است. متأسفانه ما همیشه شاهد داریم که در بحث‌های نظری خوب فعالیت می‌کنیم اما در عملیاتی کردن کارها دچار مشکل هستیم. در صورتی که در بحث‌های کاربردی ما نیاز به جدیت

دریچه

دریچه

دریچه

بیشتری داریم و باید بتوانیم چطور براساس مدل کشورمان فعالیت‌هایمان را بومی سازی کنیم. به‌طور مثال هفته گذشته برای بازدید از نمایشگاه صنایع‌دستی به استان خراسان شمالی سفر کرده بودم. این نمایشگاه بازدیدکنندگان زیادی داشت اما اکثرا کالایی را خریداری نمی‌کردند. وقتی از یکی از غرفه‌دارها علت را جویا شدم حرف جالبی زد که برابم قابل تأمل بود.

او معتقد بود لباس‌هایی که به‌عنوان صنایع‌دستی در این نمایشگاه ارائه کرده است اگر چه از نظر زیبایی‌شناسی کاملا قابل قبول هستند اما برای مردم این استان مناسب نیستند و با سلیقه آنها جور نمی‌آید. همین جمله کوتاه از نظر من حرف‌های زیادی همراه خود دارد. چنین مساله‌ای را می‌توان به کل جامعه تعمیم داد و به این نتیجه رسید که ما باید خیلی مسائلی را در جامعه خود بومی‌سازی کنیم. ما باید در تمام مسائل بحث‌های جامعه‌شناسی داشته باشیم. ما باید بگردیم و بدانیم زیر بنای اکثر مسائل که موضوعات جامعه‌شناسی برمی‌گردد. تمام کشورهایی که امروزه به‌عنوان کشورهای توسعه‌یافته شناخته می‌شوند در کنار تمام مباحث فلسفه در ایران جدی گرفته نمی‌شود در صورتی که به زندگی هدف می‌دهند. ما علوم انسانی را در حاشیه نگه داشتیم در صورتی که در دنیا پیشرفت تکنولوژی حاکم بر فلسفه آنها بوده است. به‌ر حال دانستن این موضوعات و کار کردن روی آنها قطعا می‌تواند ما را به داشتن جامعه بهتر کمک کند. ملت ما ضریب هوشی بالایی دارند و اراده انجام هر کاری را دارند. اگر بتوانیم روحیه کار جمعی را تقویت کنیم قطعا می‌توانیم به نتایج بهتری دست پیدا کنیم. این که امروزه مطرح می‌شود ما در فوتبال پیشرفت نمی‌کنیم چون کار تیمی بلد نیستیم و در کشتی همیشه قهرمان هستیم چون کارهای انفرادی را خوب بلدیم مساله درستی نیست من این حرف را قبول ندارم چرا که سال‌های جنگ و همچنین انقلاب اسلامی نشان داد که اتفاقا ما خوب می‌توانیم با یکدیگر متحد شویم و کارها را در کشورمان پیش ببریم. باز هم این موضوع به فرهنگ جامعه ما برمی‌گردد که این حس همگرایی و مشارکت در بین مردم ایجاد شود تا با ایجاد یک راه میانبر به مسیر درست و اصلی برسیم.



عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات

مهم‌ترین مشکلی که در حال حاضر در کشور ما وجود دارد، موضوع اقتصاد است؛ اقتصاد ما، بیمار است و نیاز به معالجه دارد. راه در میان و معالجه این اقتصاد، تغییر نگرش است. این تغییر نگرش باید در حوزه‌های مختلف و میان افراد و اقشار مختلف اتفاق بیفتد. نگرشی که باید اصلاح شود، نگرش مصرف‌گرایی و اسراف است. باید جلوی چنین دیدگاهی گرفته شود و به سمت ایجاد یک الگوی صحیح مصرفی گام برداریم. دیدگاه دیگری که نیازمند تغییر است، این است که محور تولید ثروت و اقتصاد، باید «کار» باشد، نه چیز دیگر. به عبارت ساده‌تر، همه افراد جامعه در هر سطح و قشری، باید از طریق کار و فعالیت به تولید ثروت و درآمد برسند؛ کار و فعالیتی که با ابعاد حلال و شرعی و همچنین با رعایت ابعاد قانونی چرخ‌های کوچک اقتصاد را بچرخاند. اگر این تغییر نگرش، اتفاق بیفتد، خود به‌خود در رفتار و عمل افراد نیز تغییر حاصل می‌شود. به همین دلیل است که مقام

معظم رهبری روی مقوله فرهنگ دست گذاشته و گفته‌اند که «فرهنگ، برتر از اقتصاد است». در فرهنگ، یعنی همان نگرش مردم، تغییر نگرش در کسب‌وکار، اقتصاد، تجارت، اقتصاد خانواده، اقتصاد شهر و روستا مواردی از این دست، پیش‌نیازهای دیگری است برای رشد و توسعه اقتصادی کشور. مادامی که این نگرش و به عبارتی، فرهنگ اصلاح نشود، رشد اقتصادی پیدا نخواهد کرد و اگر این تغییر نگاه در حوزه‌های مختلف کشور به‌وجود بیاید، متعاقب آن، رشد اقتصادی خواهیم داشت و می‌توانیم انتظار یک تحول بزرگ اقتصادی را داشته باشیم.

نکته بسیار مهمی که باید به آن اشاره کنم، این است که این تغییر نگرش باید در چند سطح اتفاق بیفتد تا اثر گذاری خود را داشته باشد. پیش از هر

چرخ اقتصاد و فرهنگ

سطح دیگری، این تغییر نگرش باید در نخبگان ایجاد شود تا آنها بتوانند مدل‌های بومی سازگار با مبانی و بنیادهای فکری خودمان را تعریف و تبیین کنند. نمی‌توان در همه حال از مدل‌های غیربومی و سازگار با سیستم‌های اقتصادی کشورهای دیگر، استفاده کرد. حتی اگر آن مدل، کارآمدترین مدل‌ها هم باشد، باز مدلی است در چارچوب و ابعاد همان کشور و سازگار با سیستم‌های تعریف شده و موجود آن منطقه. بعد از تغییر نگرش نخبگان و تعریف مدلی بومی و سازگار با سیستم موجود، نیازمند تغییر نگرش در حوزه عمومی هستیم. به این معنی که تحولی در نگاه و فرهنگ مردم جامعه اتفاق بیفتد که این سطح، سخت‌ترین و پیچیده‌ترین بخش مسیری است که باید طی کنیم. بخشی از فعالیت‌های دولت، در جهت توسعه اقتصادی، موفقیت‌آمیز بوده و بخشی دیگر، نه.

دولت در کنترل تورم موفق بوده است؛ اما نکته دیگری که در این میان وجود دارد، این که کنترل تورمی خوب است که همراه با رونق و حوز رشد اقتصادی باشد، نه در کود. اگر بخواهم مثالی برای درک بهتر این سخن بزنم، جامعه‌ای را تصور کنید که تورم در آن صفر درصد باشد و در عین حال، مردم آن جامعه، هیچ درآمدی نداشته باشند. در چنین شرایطی با

این که قیمت‌ها ثابت است، اما هیچ سود و فایده‌ای بر آن مترتب نیست و کسی نمی‌تواند خریدی انجام دهد؛ اما اگر همین جامعه، دارای ۱۰ درصد تورم باشد و مردم نیز، دارای درآمد هر چند ناچیزی باشند، باز هم می‌توانند زندگی کنند و از شرایطی که درمورد جامعه پیشین ذکر شد، وضع بهتری را تجربه کنند. لذا، اگر تورم، کمی بالاتر هم برود و قیمت‌ها، بیشتر شوند و در عین حال، افراد جامعه، به‌واسطه رونق اقتصادی، حقوقی دریافت کنند، اوضاع به مراتب بهتر خواهد بود از شرایطی که تورم کنترل شده و در سطح نازلی باشد و رکود اقتصادی، دامنگیر جامعه شود. لذا مهم‌ترین مشکل و چالشی که کشور ما در حال حاضر دارد و رشد و توسعه، با آن روبه‌روست، مقوله اقتصاد و رونق اقتصادی است.

زاویه

زاویه

زاویه

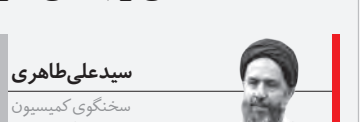


عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس

مهم‌ترین مشکل به‌عنوان معلول اصلی جامعه امروز مابخت اقتصاد است و مهم‌ترین مباحث زیرمجموعه اقتصاد معیشت مردم و معطل بیکاری است. در واقع معضلی که جوانان کشور ما را امروز بیش از همه آزار می‌دهد، بیکاری است. معیشت مردم سخت است چون ثبات قیمتی نداریم قیمت‌ها در دامنه امنی بالا و پایین نمی‌شود. رکود اقتصادی بعد از کم‌رونق شدن تولید و تعطیل شدن بسیاری از مراکز تولیدی ما به‌وجود آمد و به واسطه این رکود، شاهد تورم بسیار زیاد در جامعه بودیم که مردم در عهده مخارج خود بر نمی‌آمدند. در حالی که دولت در این چند ماه اعلام کرده توانسته تورم را مهار کند، ولی این کنترل تورم به این دلیل بود که دولت کاری که تورم را بالا برد انجام نداده است؛ این حال اقدام اساسی مسئولان باید در راستای رونق اقتصاد و تولید باشد. امروز ام‌المصائب برای اقتصاد ایران برخی بانک‌ها هستند، بانک‌هایی

حاجم

حاجم



سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس

واژه توسعه، واژه‌مانسی برای آن که بخواهیم میزان پیشرفت یک جامعه را سنجیم نیست، به همین دلیل هم نمی‌توانیم یک حکم کلی درباره توسعه‌یافتگی کشورمان بدهیم. اما اگر مبنای تعیین جایگاه کشورمان میزان پیشرفت باشد، آن وقت می‌توان گفت ایران کشوری در حال پیشرفت است که طی سال‌های گذشته توانسته در خیلی از زمینه‌ها، حرکت‌های روبه‌جلو داشته باشد. اگر وابستگی ایران به غرب را امروز نسبت به قبل از انقلاب مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که طی این سال‌ها پیشرفت‌های زیادی حاصل شده است. این پیشرفت براساس مدل بومی کشور خود و نه مدل غربی بوده و ما توانستیم در زمینه‌های سیاسی و بین‌المللی جایگاه بهتری نسبت به گذشته داشته باشیم. در زمینه‌های بهداشت و حتی اقتصاد هم کارهای خوبی انجام شده هر چند که باز در این دو زمینه جای پیشرفت زیادی وجود دارد. اما تمام این پیشرفت‌ها باعث نمی‌شود تا ما منکر برخی مشکلات در کشورمان نشویم. مهم‌ترین معضلی که جامعه ما با آن درگیر است، به بخش فرهنگی جامعه برمی‌گردد. این که ما یک با فرهنگ عمومی نامناسب روبه‌رو هستیم و باید برای تغییر آن بکوشیم. مانگنارهایی که مقام معظم رهبری طی این سال‌های اخیر انجام

طرح نو

زاویه

زاویه

آسیب‌های اجتماعی؛ پر نگاه اخلاقیات عمومی



عضو کمیسیون اجتماعی

آسیب‌های اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی گفته می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام رفتارهای جمعی رسمی و غیررسمی جامعه قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منبع قانونی یا رفتارهای اخلاقی و اجتماعی عرفی مقابله می‌کند. به همین دلیل، هنجارشکنان همواره در صدد آن هستند تا رفتارهای خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان کنند؛ زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی، تکفیر اخلاقی، طرد اجتماعی مواجه می‌شوند. بر این اساس آسیب‌های اجتماعی شامل پدیده‌های واقعی، متغیر، قانونمند، قابل کنترل و پیشگیری هستند. کنترل پذیری آسیب‌های اجتماعی، مستلزم شناخت علمی آنها در هر جامعه‌ای است و برای پاسخ به پرسش‌های نظری و عملی و کاربردی باید از ایده‌ها و یافته‌های علمی سوی سیاست‌گذاران و قانونمندان ساختن رفتارهای اجتماعی بهره برد. برای مقابله صحیح با آسیب‌های اجتماعی، در مان یا پیشگیری برای ممانعت از گسترش و پیدایش آنها بسیار ضروری و پراهمیت است. زیرا اجلوی بسیاری از هزینه‌های هنگفتی را که به‌جامعه تحمیل می‌سازد می‌توان گرفت. معضلات و آسیب‌های اجتماعی همواره علل مختلفی را در بر می‌گیرد و می‌توان آنها را از جنبه‌های مختلف فردی، اجتماعی و حتی فرهنگی مورد بررسی قرار داد.

آسیب‌های اجتماعی به‌بیان بعضی از اندیشمندان حوزه اجتماعی، حاصل و معلول مستقیم انقلاب صنعتی است و در بیشتر جوامع وجود دارد و تأثیرات خود را بر تمامی بخش‌ها و حوزمه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌گذارد. اما آسیب‌های اجتماعی در جوامع مختلف با یکدیگر متفاوت است و بستگی به نوع نگرش این جوامع به علل به وجود آورنده آسیب‌ها و راهکارهای اصلاح و بهبود آن دارد. در مورد نگرش، آن چه مهم است این سوال کلیدی است که چرا آسیب‌ها به وجود آمده‌اند؟ آیا وجود آسیب‌ها در جوامع آرامی لازم و ضروری است یا بی‌شما می‌توان جامعه‌ای بدون آسیب داشت؟ پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم شناخت‌انظر به‌های مختلف جامعه‌شناسی و روانشناسی است که هر کدام سعی در تبیین مسائل، آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی نظر گاه‌های مختلف دارند. این دیدگاه‌ها متأثر از باورهای سیاسی و اقتصادی هر جامعه‌ناشی می‌شود.

برای بررسی آسیب‌های اجتماعی باید آنها را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد. در مرحله نخست از زاویه انسان به‌عنوان عنصر اصلی تشکیل دهنده اجتماع باید به آن نگریده شود و مورد توجه همه دانشمندان حوزه اجتماعی و جامعه‌شناسی باشد. هر انسان با هر دین و آیین و اعتقاد و فکر و گرایش و مسلک و ارتباط و با هر نوع گرایش جنسی و حزب خاصی که باشد، به بسیاری از عواطف و احساسات انسانی اعتقاد دارد. به همدلی، نودعوستی و کم‌بالاتر از اینها، می‌تواند با هم‌نوعان خود اعتقاد دارد و سعی می‌کند تا حد امکان به هر نوع آسیب‌پذیری یاری رساند. به‌عنوان مثال، هر انسانی دوست دارد به پسرمرد یا پسرزنی در راه مانده کمک کند یا حادثه‌ای را بگذرد. اما اگر این عواطف و احساسات فردی و جمعی به‌ناهنجاری‌های اجتماعی و رفتاری تبدیل شود می‌تواند پر رنگه عمومی برای نابودی تمامی اخلاقیات اجتماعی شود. اگر به آسیب‌های اجتماعی به موقع رسیدگی نشود، به افزایش جرم و جنایت منتهی می‌شود و در سطح کلان عمومی آثار بسیار مخرب اجتماعی بر جامعه خواهد گذاشت.

از جنبه سیاسی هم، اگر به آسیب‌های اجتماعی توجه کنیم، کشور ما در دامن بیگانگان سوق می‌دهد و به جای توجه به فرهنگ خودی، فرهنگ بیگانه در کشور پیاده می‌شود و به اعتقادات دینی و مذهبی جامعه لطمه وارد می‌سازد. با وجود آسیب‌های اجتماعی در کشور، بزرگنمایی و تبلیغات دشمنان را در پی خواهد داشت. ضمن آن که وجود آسیب‌های اجتماعی در کشور اسلامی عامل تبلیغ منفی بر ضد اسلام است. لذا لزوم است تا جامعه‌ای اجتماعی ریشه‌یابی شود و از کلی‌گویی در جامعه برهیز شود و با ارائه راهکارهای مدرن به جزئیات آسیب‌های اجتماعی توجه کرد. دیگر زمان کلی‌گویی و شعارهای فریبنده گذشته است. نمی‌توان چشم‌بر معضلات و آسیب‌های اجتماعی موجود بست زیرا مانع رشد و تعالی کشور شده است. اما برای بر خورد با آسیب‌های اجتماعی، تقلید کور کورانه از بیگانگان جایز نیست. به دلیل آن که آسیب‌های اجتماعی ارتباط کاملی با سنت‌های هر جامعه دارد و الگوپذرداری از جوامع دیگر به صلاح جامعه‌مانیست.

وظیفه دولت‌مردان و قانون‌گذاران به‌عنوان مهم‌ترین عوامل طرح تئوری‌های کلان کشور در این مورد چیست؟ دولت خوب، دولتی است که برای حل آسیب‌های اجتماعی فرمول صحیح و منطقی همراه‌انواوری و ارائه ابتکارات و خلاقیت‌ها در جهت رسیدن به شکوفایی داشته‌باشد. سیاست‌گذاران سیاسی و اجتماعی هر جامعه‌ای، روش‌های مختلفی را در برخورد با آسیب‌های اجتماعی پیشنهاد می‌کنند. شیوه برخورد با این مسائل هم از لحاظ مستقیمی با سیاست‌های کلان کشور دارد که آنها در برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز ۲۰ ساله به‌وضوح اعلام شده است. عملیاتی ساختن این سیاست‌ها، راه‌دهایی که در تمامی جوامع وجود

ذره بین

ذره بین

آسیب‌های اجتماعی؛ پر نگاه اخلاقیات عمومی

دارند، تعیین هدایت می‌کنند. در مورد راهکارهای اصلاح و بهبود آسیب‌های اجتماعی هم نظر گاه‌های مختلفی وجود دارد. عده‌ای روش انکار و پرده‌پوشی را تجویز می‌کنند و عده‌ای دیگر به روش‌های پلیسی اعتقاد دارند. جوامعی هم وجود دارند که به این مسائل نگرشی علمی و منطقی دارند و سعی می‌کنند با قبول وجود این آسیب‌ها، علت آنها را با استفاده از روش‌های علمی بشناسند و برای حذف یا به حداقل رساندن آنها از روش‌های منطقی سود ببرند. در این جوامع، اثبات علمی صورت گرفته و در اثر ارتباط با فرهنگ‌های مختلف به‌سطحی از آگاهی رسیده‌اند که به حق آزادی و برابری انسان‌ها و حق برخورداری تمامی انسان‌ها از حقوق مادی و معنوی اعتقاد واقعی دارند.

با توجه به‌وضع خاص سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه، آسیب‌های اجتماعی علاوه‌بر این که مساله‌ای اجتماعی شمرده می‌شوند، بارزنی نیز دارند. یعنی یک آسیب که در یک جامعه با سیاست لیبرال، فقط یک جرم محسوب می‌شود، در ایران علاوه‌بر جرم بودن، گناه نیز به شمار می‌رود. این نگرش خاص به مساله اجتماعی باعث می‌شود که مجرم با منحرف بیشتر از آن که جامعه و روابط حاکم بر آن را عامل انحراف خود بداند، خودش را گناه کار می‌بیند و این می‌تواند یکی دیگر از آسیب‌های فردی و اجتماعی باشد که معضلات اجتماعی ما را با نگاه مذهبی در هم آمیخته‌است.

در جوامع مدرن امروز تمایل بر این است که این سیاست‌ها هر چه بیشتر توسط نهاد آموزش و پرورش و نهاد خانواده به جامعه تزیق شده و نهاد سیاست حداقل دخالت را در این امور داشته‌باشد. اما در جوامعی که در آنها نهاد سیاست قدرتمندتر است، این سیاست‌ها توسط این نهاد وضع و به‌جامعه دیکته می‌شود. تجربه نشان داده است که مجرم با منحرف در مهار بحران‌های اجتماعی موفق‌تر عمل کرده‌اند. چون مردم راهکارهای مقابله با آسیب‌های اجتماعی را وضع از آنها هم حمایت می‌کنند. اما در جوامعی که سیاست‌های اجتماعی را نهاد سیاست می‌کند، لاجرم باید ضلعت‌های اجرایی آنها را هم تعیین کند که در این حال استفاده از نیروهای حافظ قوانین و حامی نظام سیاسی مثل پلیس ضرورت پیدا می‌کند.

حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی نیز به سیاست‌های اجتماعی مربوط است. در این مورد نیز وقتی حمایت از آسیب‌دیدگان به‌طور کامل در اختیار نهاد سیاست قرار می‌گیرد، این نهاد از دیدگاه منافع خود به آنها نگاه می‌کند، اما وقتی مردم یک جامعه به حمایت از این آسیب‌دیدگان می‌پردازند، بسیار عمیق‌تر و کامل‌تر عمل می‌کنند چون مردم در متن این آسیب‌ها قرار دارند. آنها را خوب می‌شناسند و برای حمایت از افرادی که دچار بحران هستند انگیزه‌های قدرتمندی دارند. یکی از راهکارهای حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی، سازمان‌ها و تشکلهای غیردولتی است. این سازمان‌ها که در تمامی جوامع ریشه دارند در عصر کنونی کار دکاه مختلف و موثری یافته‌اند و نقش مهمی در حیات اجتماعی می‌کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی با تأثیرگذاری در وضع و اجرای سیاست‌های اجتماعی، در نقش‌های مختلفی مثل مشاوره با دولت، منتقد دولت و گاه حتی به‌عنوان بازوی اجرایی سیاست‌های اجتماعی دولت‌ها فعالیت دارند. این سازمان‌ها با ویژگی‌های منحصر به فردی که دارند، امروزه به نماد دولت مردم تبدیل شده‌اند و به‌نظر می‌رسد در هر جامعه‌ای که این سازمان‌ها فعال تر و گسترده‌تر عمل می‌کنند، آران حکومت مردم‌بر مردم دست‌یافتنی‌تر می‌شود.

هر جامعه‌ای متناسب با شرایط خود در فرهنگ، رشد و انحطاط خود با انواعی از انحرافات و مشکلات روبه‌رو است و تأثیرات مخربی روی فرآیند ترقی در آن جامعه می‌گذارد. شناخت چنین عواملی می‌تواند مسیر حرکت جامعه را بسوی ترقی و تعامل هموار سازد، به‌طوری‌که علاوه‌بر درک عمل آنها جلوگیری از تداوم آن عمل با ارائه‌حل‌هایی به سلامت جامعه کمک کرد. به‌عنوان مثال مساله اعتیاد را در نظر بگیریم. این مساله هم به‌عنوان یک مشکل فردی و هم یک معضل اجتماعی مطرح است. روش‌شنود تا سطح اجتماعی منجر به از بین رفتن نیروها و آزاری می‌تواند بسیاری از نیروهای از دست رفته جامعه را تجدید کرد، در هر مسیر کار سالم جامعه هدایت سازد. نابسامانی اقتصادی – اجتماعی چون: فقر، تورم، گرانی، بیکاری، فقدان امنیت مالی و حقوقی و دیگر عواملی که باعث محرومیت می‌شوند؛ زمینه مساعدی را برای انواع مختلف آسیب‌های اجتماعی چون: خودکشی، سرقت، اعتیاد به مواد مخدر، الکلیسم، فرزند آزاری، زورگیری، طلاق، گدایی و… فراهم می‌آورد. از این رو مفهوم آسیب‌شناسی گسترده وسیعی پیدای می‌کند و از ابعاد از‌رشنی و کاربردی فراوانی برخوردار می‌شود. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به‌منظور به‌سزایی محیط زندگی و جمعی خانوادگی است. از آن‌جا که پیشگیری همواره ساده‌تر، عملی‌تر و کم‌هزینه‌تر از درمان است، دارای اهمیت بسیار است. در عصر ما پیشگیری مهم‌تر از درمان است. بسیاری از آسیب‌شناسان اجتماعی برآند تا برای مبارزه با کج رفتاری‌ها قبل از آن زمینه اجتماعی بسیاری از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی را از میان برآورد و برای حصول این منظور رعایت اصول اصلی از جمله توجه به آزادی‌های فردی و جمعی و دادن زمینه‌های رشد و تعالی افراد از سوی دولت‌مردان در جامعه ضروری است.